

رسالة السعديين



بالحام الزخ

میرزا غلام رضا

خط
قاسم خست

احسنیت، قاسم، ۱۳۳۸-
 رسم المثنق نستعلیق با الهام از خط میرزا غلام رضا / خط قاسم احسنیت.
 تهران: یساوی، ۱۳۹۰. ۸۸ ص: مصور (بخش رنگی)؛ ۲۹×۲۲ س. م.
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. ISBN: 978-964-306-543-0
 ۱. خط نستعلیق - راهنمای آموزشی. ۲. خوشنویسی - راهنمای
 آموزشی. الف. خوشنویس اصفهانی، غلامرضا بن میرزا جان، ۱۲۳۶-۱۳۰۴ ق.
 ۱۳۹۰ الف ۲۲۳ / NK۲۶۳۹
 ۷۴۵/۶۱۹۶
 ۲۳۳۴۷۵۷
 کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir



رسم المثنق نستعلیق

با الهام از خط میرزا غلامرضا

مؤلف و خطاط: قاسم احسنیت

طراحی و صفحه‌آرایی: افشین آریافر، وحید بخت

لیتوگرافی: نقش آفرین

چاپ اول: ۱۳۹۰، چاپ نقش رنگ پنجم

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات یساوی

تهران: میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۳، نمابر: ۶۶۴۱۱۹۱۳

تهران: خیابان کریم‌خان، پلاک ۷۸، تلفن: ۸۸۳۰۰۴۱۵، نمابر: ۸۸۸۳۲۰۳۸

www.yassavoli.com • info@yassavoli.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۶-۵۴۳-۰

بها: ۴۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ

همزمان با مطالعه سبک و خطوط کلهر، کتابی را تحت عنوان «ترکیب چلیپا» آماده ساختم و در همین کتاب بود که دو قطعه سیاه مشق به شیوهی میرزا غلامرضا آوردم، بدین مضمون: «ما اختیار خود را تسلیم عشق کردیم» و دیگری: «در دایرهی قسمت اوضاع چنین باشد».

پس از پشت سر گذاشتن آن دوران و آشنا شدن با برش‌های خط مرحوم کلهر، بر آن شدم تا برای پیمودن مسیر تعالی و رسیدن به مقصود، از دست نوشته‌های استاد کل میرعماد بهره‌مند شوم و از آن‌ها نیز تلمذی کرده باشم. در این وادی راهم را به سوی شمیم بوستان خط استاد عباس اخوین سپردم؛ آن‌که در شیوه ساده‌نویسی و تندنویسی رعشه‌ی قلمش بیان چهل ساله‌ی تجربه را به همراه داشت و هم در این‌جا بود که برای آشنایی با سبک میرعماد چند سالی را در محضر ایشان تلمذ کردم.

با گذشت زمان، کتاب ترکیب چلیپا آرام آرام جای خود را بین هنرجویان خوشنویس باز کرد، چون برای اولین بار بود که اصول ترکیب چلیپا به صورت تئوری بیان می‌شد و با چنان استقبالی روبه‌رو شد که مرا مصمم کرد در خصوص میرعماد و حجاب شیرازی، کتابی را به صورت آموزشی ارائه دهم. این کتاب هم، باب احترام و یادی از میرعماد تا حجاب شیرازی بود و هم چگونگی روش نقلی در خوشنویسی را بازگو می‌کرد و در آخر هم با یادی از میرزا غلامرضا و میر حسین، دو اسطوره‌ی سیاه‌مشق‌نویسی ایران پایان می‌یافت. این مهم نیز به پایان رسید و مورد استقبال استادان و هنرجویان حقیقی خوشنویسی قرار گرفت.

در سال ۱۳۶۹ اولین گام‌های خود را در خصوص بهره‌گیری و مشاقی از روی خطوط زیبای میرزا غلامرضا آغاز کردم و همین امر ذهنم را کاملاً به خود مشغول ساخت تا پس چند سال خلوت‌گزینی و مشق‌نویسی، در سال ۱۳۷۳ نکته‌ای بسیار ظریف برایم عمیقاً مشهود شد و همان بود که مرا برای نقلی کردن آثارش با مشکل مواجه می‌کرد. این مسئله باعث شد تا برای رسیدن به اسلوب خط میرزا، کارهای او را از سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۳ به طور دقیق مطالعه و رونویسی کنم. چون کیفیت این قطعات نزدیکی بیشتری به شیوه‌های معاصر داشت. و همین زمان به خاطر دارم در شیراز، شبی با استاد احصایی در خصوص خط میرزا و شخصیت وی مجالستی دست داد که برایم بسیار مثمر ثمر و پندآموز بود.

با چندین و چند بار همنشینی تنگاتنگ با کلمات و قطعات، خود را هر چه بیشتر و نزدیک‌تر به ذهن میرزا می‌دیدم اما هنوز جرأت پیدا نکرده بودم تا در مجال و مقال حقیقی و عملی آن به طور کلی وارد شوم. برای این کار دلایل مهمی داشتم، زیرا شیوه‌ی دست میرزا و چگونگی مشق کردن و مرکب‌برداری و مرکب‌گذاری ایشان، به وسیله خوشنویسان به میراث گذاشته نشده و در نتیجه به دوران معاصر انتقال نیافته است و این امر مهم‌ترین قسمت کار می‌نمود. شرایط مشق کردن میرزا در قطعاتی که به قطعات میرعماد نزدیک می‌شود و نیز قطعاتی که به قطعات کلهر پهلوی می‌زند، همگی نشان از آن داشت که میرزا به دنبال تجربه و استاندارد با عیار خاص می‌گشت تا به راز نهایی مقصود دست یابد، اما به نظر می‌رسد که عمر یک خوشنویس برای رسیدن به حد مطلوب بسیار کم است، همان‌گونه که برای میرزا اتفاق افتاد و عمر وی کفاف پایان دادن به تجربه‌هایش و رسیدن به برش‌های نابش را نداد و کار نیمه تمام ماند.

به جرأت می‌توان گفت که میرزا در خط به دنبال گم‌شده‌ای می‌گشت، چنان‌چه از کلیه‌ی قطعات وی مشهود است که هر قطعه دارای شخصیتی است مستقل و هر حرف دارای بیانی متمایز از دیگر قطعات خوشنویسی اوست و در حقیقت همین ویژگی، بررسی و واکاوی شیوه‌ی او را بسیار سخت و نگران‌کننده می‌نماید؛ بنابراین اول باید میرزا را شناخت و سپس خط وی را، چرا که خط میرزا خاص اوست و تقلید از وی کاری می‌طلبد کارستان.

اما حرکت از بیضی نویسی کشیده و بعد به بیضی نویسی نرم و در نهایت به سراغ دایره رفتن، راهی بود پس پرمخاطره و کاری بسیار سخت و سنگین و در واقع شاکله خط دوران قاجار همان دایره بود که مرا نیز در این حلقه اسیر خود ساخت. از این رو، شبها و روزها و سالهای متمادی مشق از خطوط میرزا آغاز شد؛ آن هم مشق و رونویسی از خطوط کسی که در خصوص سیاه مشق نویسی در میان دیگر خوشنویسان ایران حرف اول را می زند.

چنانچه گفته شد، نزدیک شدن به شیوهی میرزا غلامرضا کاری سخت و طاقت فرسا بود، چون هر قطعه دارای شخصیتی مستقل بود و حرفی برای گفتن داشت. از مرکب برداری هوشمندانه و پرمرکب، تا نشست قلم و قلمرانی زیرکانه و تمام کردن یک کلمه به صورتی عاشقانه، فی المثل مشق کشیده های تخت و نیم تخت و کشیده های سین و شین و ... که با پایان یافتن ماهرانه قلم و آگاهی دست همراه است، تا شروع و نشست با انسی قلم و پایان بخشیدن سحرانگیز کشیده ها، همه و همه از خاصیت روش قلمرانی اوست؛ چنانکه این تر و تازگی خلق کلمات بر صفحه ای جان بیش تر نمایان است تا بر صفحه ای مجاز کاغذ.

تمام مشق های میرزا برگرفته از یک اصل مهم است و آن بداهه نویسی است که امروزه کمتر خوشنویسی به این کار گرایش دارد. بداهه نویسی از ویژگی هایی است که میرزا را خاص و نادره ی عصر خویش نموده است؛ او که جان را در مشاقی دفتر دل می یابد و با سیر در عالم معنا و درس و بحث و گفتگوی عاشقانه ی کلمات، جانانه قلم بر کاغذ می گذارد، بی آن که مطلبی در نظر داشته باشد؛ فقط می نویسد و می نویسد و با تکرار کلمات بی نقص و جان گرفته از طبع و خلاقیتی سرشار از همیاری بخشیدن میان کلمات و حرف های گوناگون، با گردش صرصین توسن قلم در قوس سماع، خیال گونه نقشی بدید می آورد بی بدیل و بی نظیر. میرزا مشق می نوشت، آن هم به صورت بداهه نویسی و بعدها همان مشق قطعه می گردید؛ قطعاتی که به جا مانده ی سیاه مشق و سطر نویسی های لطیف اوست با خطوط زیبا و منحصر به فرد.

بدیهی است مراتب عرضی یک سیاه مشق فی البداهه با نوشتن سطری از پیش طراحی شده و بارها و بارها تمرین شده، برای پذیرش در انتخاب کلیشه ای، تفاوت های فراوان دارد و بیننده ی حقیقی و بی غرض در می یابد که فرق میان این و آن فرسنگ هاست و درک و دریافت آن مستلزم تأمل و بینش بسیار.

امروزه خوشنویسان ما قطعه می نویسند و مشق نویسی را فراموش کرده اند. اگر زمانی مشق یک خوشنویس قطعه شود، آن زمان قابل تقدیر و ارزشمند است؛ چرا که تکلف ندارد. بنابراین بداهه نویسی کاری است سخت و نیازمند ممارست و شناخت کافی. بنابراین اصل، نوشتن از روی برش های میرزا آن هم به صورت فی البداهه و بدون شناخت و تأمل بسیار در خطوط قدما، نه تنها کاری است مشکل بلکه ناممکن. بداهه نویسی در خوشنویسی، همانند بداهه نوازی در موسیقی است چرا که در عرصه ی کار بداهه، کلیت قطعه دست به دست هم داده تا به زیبایی هر چه مطلوب تر برسد.

البته نگارنده قصد آن را ندارد که وارد تمامی مشخصه های خط میرزا شود زیرا چگونگی سیر در این بحر بی پایان در چند صفحه نمی گنجد.

با این حال، همان گونه که ذکر شد، قالب حروف دوره ی قاجار بر مبنای گردی یا دایره است. حلقه ای بس مشکل و طاقت سوز، چون اگر کوچک ترین شکست و انحنایی در دور پدید آید، کلیت شکل دایره به هم می ریزد و به راحتی دیده خواهد شد.

پس از آن شناخت قلم میرزا و چگونگی مرکب‌گذاری و قطع قلم اوست و بعد شناخت کافی بر کلیه‌ی برش‌ها و عناصر خط وی نسبت به کلماتی که به صورت تخت و روان نوشته می‌شود و به مانند پله‌هایی هستند که دارای خیز کمتری است تا برای کلمات بعدی مهیا گردند. در آثار وی هر حرف در جای خود دارای شخصیتی است اثرگذار، به همین دلیل اگر کوچک‌ترین خطایی در یک حرف رخ دهد، خط خط میرزا نمی‌شود. در کل خط میرزا انعطاف خاص خود را دارد با حساسیتی عجیب و پراحساس. آن‌چه امروز مهم‌تر و مطلوب‌تر از به دست آوردن برش‌های خط وی می‌باشد، شناخت روحیه میرزا است. بنابراین ابتدا باید از روی خطوط میرزا به شخصیت او نزدیک شد و سپس با قطعات او عشق‌بازی کرد. پس بسم الله....

همیشه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در این شیوه‌ی سنجیده و دیر هضم و دیر فهم، چگونگی به کار بستن و روش اجرا صحیح نگارش کلمات بوده و هست و همین امر موجب شده تا برخی از خوشنویسان ناآگاهانه دست به اقداماتی بزنند که منجر به خدشه‌دار شدن این شیوه گردیده و انصافاً باید گفت اجرای برخی از برش‌های معاصران از روی خطوط میرزا غلامرضا دور از عیار و ارزش‌های واقعی خط میرزا است، تا جایی که برخی تنها رهایی پاشنه‌های واو یا دال را مشخصه خط میرزا می‌دانند که جای بسی تأمل دارد. به جرأت می‌توان گفت بدون کسب آگاهی و مهارت‌های ویژه و منحصر به فرد، هر دستی قادر به اجرای صحیح آن نیست و بر این امر مهم جز با تمرین‌های مکرر و سنجیده و از سر گذراندن سختی‌ها و متحمل شدن آن‌ها، نمی‌توان واقف و مسلط گردید.

چنان‌که متأسفانه به جز تعدادی انگشت‌شمار، کسی به درک حقیقی شیوه‌ی میرزا پی نبرده است. همین نکته‌ها بود که باعث انگیزه‌ی نگارش این کتاب شد و مرا بر آن داشت تا با معرفی و آموزش شیوه‌ی میرزا غلامرضا در رفع کاستی‌ها، بدآموزی‌ها و تخریب‌های ناآگاهانه، تلاشی هر چند کوچک انجام دهم؛ باشد که راهی گشاید و مثمر ثمر واقع شود.

رسم المشقی را که در پیش رو دارید، در حد بضاعتی است که این حقیر پس از سال‌ها مشق و ممارست و تحقیق و بررسی مو به موی احوالات خط حضرت استاد میرزا غلامرضا اصفهانی درک نموده‌ام و اگر در آن عیب و کاستی‌هایی در نوع نگارش و غیره مشاهده می‌گردد، امید است با چشم خطاپوش بنگرند. هم‌چنین، امیدوارم که این رسم‌المشق، بهانه و راهگشایی باشد برای دیگر خوشنویسان معاصر تا با تخصص و بررسی خطوط قدما در این عرصه وارد شوند و با همت و ریاضت و الهام‌گیری از خطوط استادانی چون میر علی، باباشاه اصفهانی، میرزا کاظم، میرحسین و دیگر خوشنویسان بزرگ و بنام متقدم، آثاری قابل و زیباتر تألیف نمایند.

در آخر می‌بایست از آقای وحید بخت، صفحه‌آرا؛ آقای آریافر، چینش صفحات و آقایان اسماعیل کاظمی سرچشمه، نایب شیرازی و سیروس فریدونی، که در تهیه مقدمه مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم و هم‌صدا با حافظ شیرازی طلب نمایم که:

وجود نازکت آزرده گزند مباد

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد

قاسم احسن
شیراز، ۱۳۸۹